

دکتر معنوی

فوبی‌ها در نوروها بخصوص در نوروهای ایران

ممکن است گاهی با اندک تلقین و درمان نفسانی نشاط (انبساط) خاطری برای آنها بوجود آورد. این ترس مرضی گاهی محدود بیک یا چند و هنگامی تبدیل به هراس از همه چیز میشود.

Pantophobies و این حالات بیشتر

در روی مزاجها و سرشتهای Emotive و در دسته اشخاصی که شخصیت Compulsive دارند ظاهر میشود این

عده دارای شخصیتی هستند سخت خشک. پای بند بمبانی و اصول جدی وجدانی Conscienceux بحد افراط مقید به اصول و مبانی اجتماعی و Methiculeux ولی فاقد ظرفیت

روانی کافی برای آرامش و سازش با دیگران ضمنا علاقه خاصی به تکرار اعمال و رفتار و عقاید خود دارند بدون اینکه قادر باشند نظریات و عقاید دیگران را تحمل کنند.

ترس گاهی پایه و اساس نوروها تشکیل میدهد و راجع به ایجاد اینگونه برس ها بهتر است بنظریات پیرژانه توجه کرد.

ژانه معتقد بود که در حالات ابتدائی، افکار برترز خیلی شلی با یکدیگر پیوستگی

مطلبی که باینجانب محول شده شرح فوبی‌ها در نوروها بخصوص در نوروهای ایران است و مطالبی که بعرض میرسد بطور کلی معرف انواع فوبی‌هایی است که در بیماران نورو تیک بیمارستان روزبه و بیمارستان خصوصی دیده شده و منابع آن نیز شرح حال بیماران بستری میباشد که مشاهده شده است.

تعریف - فوبی عبارت از حالت ترس مرضی و وسوسه آمیز از یک شیئی یا موضوعی است که علت واقعی ندارد و منشاء اصلی آن جا بجا شدن و تغییر شکل یک منازعه درونی در شعور تاریک Inconscience بیک مظهر خارجی است که از راه سمبولیک ارتباطی با منازعه درونی داشته و نتیجه این واکنش تظاهر فوبی بصورت ترس غیر منطقی مخصوص و مداوم که تناسبی با انگیزه‌های ظاهری ندارد میباشد.

این تعریف مربوط به بیماران نورو تیک و پسیکوتیک است ولی بایستی بیان نمود که حالت ترس مرضی در بیماران پسیکوتیک بصورت ایمان و یقین درآمده حال آنکه در بیماران نورو تیک

دارند ژانه طرز فکر مردم ابتدائی و

اطفال و طرز تفکر بیمارانی را که دچار

حالات ترس مرضی و نوروهای همراه

با ترس بودند تحت یک گروه بنام

Etat Primitive قرار داد.

گرچه در اینجا نام لازم دارد ولی

ژانه معتقد بود که طرز فکر راجع باشیاء

و امور در مراحل عالی رشد و نمو و

تکامل پیدا میکند و فکر تکامل یافته

فکری است که در آن اشیاء و امور باهم

روابط نزدیک و مستحکم دارند و با فقدان

این خاصیت طرز فکر بعدم استحکام

برگشت نموده و حالتی که ژانه آنرا

Abaissement des Niveaux Mental

نامیده است پیدا میشود و در این حالت

میشود گفت که **Tension Psychologique**

نیز پائین میافتد.

خلاصه آنکه **Abaissement des**

Niveaux Mental ژانه شامل دو معنی بود

یکی **Regression** یا سیر قهقرائی

بطرز فکر ابتدائی و دیگری سستی و

گیسختگی آسوسیاسیونها ازهم و باز

ژانه معتقد بود که این دو حالت باهم اند

ولی شارکو راجع باین نظریات متوجه

تئوری دژنرسانس مانیان شد و معتقد

گردید حوادث اتفاقی ممکن است عامل

ظاهر کنند **Abaissement** شوند و باین

ترتیب باز همان عقیده **Constitution**

و دژنرسانس را پیش کشید.

ولی تئوری **Abaissement des**

Niveaux Mental مدتی مورد قبول بود و

تئوری دژنرسانس که علت بیماری را به

توارث و سرشت مربوط میکرد سبب

شد که زمانی دراز تجسسات پیشرفت

نکند و متاسفانه همزمان با مطالعات

شارکو و ژانه راجع به نوروها در اروپا

مخصوصا در آلمان مشغول مطالعه و

تحقیق راجع به پسیکوزها بودند بدون

اینکه باهم هماهنگی داشته باشند و این

عدم هماهنگی محققین اروپائی سبب شد

که متاسفانه اطلاعات راجع به نوروها و

ترس ناشی از آن بمرحله کمال نرسید.

در قدیم که بیماریهای نورو و

پسیکوز بعلت عدم دسته بندی از یکدیگر

جدا نشده بود انواع ترس واژه های

زیادی داشت و این واژهها بعلت کثرت

مطالعه این علوم را مشکل تر میساخت

ولی این واژهها از روزی که بیماریهای

مختلف و روانی تحت نظم و دسته بندی

درآمد بخصوص از زمان گریسینگر

روان پزشک آلمانی که نوروها را از

پسیکوزها جدا کرد و نوروها را در

سرحدینابین بیماریهای داخلی و روانی

قرارداده جای مناسبی در بیماریها پیدا

کردند مثلا واژه فتوفوبی برای

بماریهای چشم و کزاز و هیدروفوبی

بعلائم بیماری هاری اضافه شد وعدهای

بیماری که در بخش بستری بود بیان میکرد که از جاهای بلند میترسم وقتی بالای پشت‌بام میروم حتی وسط پشت‌بام هم ایستاده‌ام میترسم کسه پرت شوم .

۲- ترس مرضی از حشرات **Acarophobia** : این قبیل بیماران از عنکبوت و هزارپا و دیگر حشرات متیرسند .

۳- ترس مرضی از فضاهای باز و وسیع که بیشتر در اطفال دیده میشود

Agoraphobie

۴- ترس مرضی از فضاهای مسدود و بسته **Claustrophobie** بیماری که در بخش بستری بود میگفت میترسم در اتاقی که نشسته‌ام دیوارهای اتاق بهم نزدیک شده و من در وسط آن له شوم .

۵- ترس از چرکو و کثافات **Mysophobia** که سبب استحمام مداوم بیمار میشود .

۶- ترس از آلوده شدن که این ترس بیشتر در بیماران نوروژیک زن و بمعنای وسیعتری **Coitophobia** که بیشتر در موقع ازدواج و نزدیکی در دختران جوان هیستریک مشاهده میشود (ترس از مقاربت)

۷- ترس از تزریق **Injection** که در بیماران نوروژیک شایع است و گاهی بیماران نوروژیک در هنگام بستری شدن تقاضای تجویز داروهای خوراکی داشته

از این واژه‌های ترس هم جای مناسبی نیافتند .

۱- ترس‌های مرضی را به قسمتهای زیر تقسیم کرده‌اند .

۱- ترس‌های ناشی از **Conflicts** های درونی و دوران گذشته و زندگی که سردسته آنها مربوط به ترس تربیتی از دوران کودکی طفل میباشد .

۲- ترسهایی که در افراد قابل تلقین (تلقین پذیر) ایجاد میشود **Suggestible**

۳- ترس از اعمال غیر ارادی

Impulsifs

۴- ترس‌هایی که ریشه آن عادات و رسوم اجتماعی است .

۵- ترس‌هایی که بعد از بیماریهای عفونی و در دوره نقاهت آن دیده میشود .

۶- ترس‌هایی که از بهم خوردن تامین اجتماعی و عدم توانائی فرد در سازش با محیط و موقعیت‌های جدید پیدا میشود و عامل اصلی آن بمخاطره افتادن حس امنیت شخصی و اجتماعی است .

۷- ترس‌هایی که نمیتوان آنها را طبقه‌بندی کرد و علت واضحی برای آن بیان نمود .

اینک تعدادی از واژه‌ها را برای فوبیهای مختلف میتوان نامبرد .

۱) ترس از ارتفاعات و بلندیها

Acrophobies

و از آمپول زدن وحشت عجیبی دارند .
بیماران سرپائی هم زمانی فقط از دارو
های خوراکی استفاده میکنند و از اجرای
دستورات طبی که احتیاج به تزریق داشته
خودداری مینمایند .

۸- ترس از اعمال Impulsifs یا

غیر ارادی که خیلی شایع است بیماری
که مبتلا به پسیکونوروز بود میگفت که
پربشبد در منزل خوابیده بودم میترسیدم
که مبادا از خواب بلند شده بچه‌هایم را
بکشم خودم را بتختخواب بستم و شب
گذشته بعلت ترس از کشتن اطفال خودم
را به کلانتری معرفی کردم و کلانتری
محل مرا به بیمارستان روزبه معرفی
کرده است .

۹- ترس از مرگ که بیماران

نوروتیک میترسند مبادا بفتتا بمیرند
مثلا همین او آخر بیماری معرفی شد که
میگفت بعلت ترس از مرگ ناگهانی همیشه
مجبور هستم غذا بخورم و چون از خون
نامبرده آزمایش قند بعمل آمد و طبیعی
بود فکر کردیم این حالت غذا خوردن
مداوم او را مجددا به **Stade oral** کشانده
است و باز ترس از مرگ در خانم یکی
از همکاران که در بیمارستان بستری بود
وجود داشت سبب شده بود که همیشه
شوهرش را که طبیب بود در منزل
نگاهداشته و تا چند هفته مانع اشتغال

او به کار شود تا آنکه شوهر او را به
بیمارستان معرفی کرد و بستری نمود
و در بیمارستان هم بیمار همیشه رفت
و آمد اطباء را کنترل میکرد تا اطمینان
پیدا کند که در موسسه طبیب وجود
دارد .

۱۰- ترس از طلاق در اجتماع ما

که دوره پدرشاهی را میگذرانند، این ترس
و هم وهراسی در خانم‌ها بوجود می‌آورد
مثلا خانمی که بعلت ابتلاء به نوروز
بستری بود سبب ترسش را از این
میدانست مبادا شوهرش او را طلاق
بدهد در اعصار گذشته دوره‌ای در تاریخ
بنام دوره مادرشاهی وجود داشته که
در آن دوره مادر حاکمیت مطلق بر خانواده
داشته و گوا اینکه حاکمیت در زمان ما
بطور غیررسم باز در دست خانم‌هاست.
۱۱- ترس از حیوانات نیز در
دسته‌ای از بیماران مشاهده میشود .

مثلا بیماری بستری از دهات اطراف
تهران بیان میکرد که در فصل زمستان که
زمین پر از برف بود در بیابان با الاغ
مسافرت میکرد و ناگهان گرگی ظاهر
میشود بیمار میگفت من چتری در دست
داشتم و روبه‌گرگ چتر را باز کردم و
از صدای باز شدن چتر و پارچه سیاه
چتر گرگ فرار کرد ولی همین ترس از
گرگ باعث ابتلاء نامبرده به نوروز شد .

و ترس شده بود و مدتی از حال خود شکایت داشت تا با *Curede Sommeil* بهبودی یافت .

۱۲- ترس از مرگ در خواب ، بیماری نوروژیک که بستری بود بیان میکرد که من شبها وقتی میخواهم بخوابم میترسم صبح بیدار نشوم و همین ترس مانع خواب او شده بود و کپسولهای خواب که به بیمار داده میشد در دهان پنهان کرده و بعد دور میانداخت که پس از اطلاع از آن مجبور به تزریق آمپولهای خواب میشدیم :

دیگر از ترس‌های مرضی ترس از خون گرفتن است در بیماران نوروژیک که خون آنها معمولا جهت آزمایشات برده واسرمن و سایر آزمایشات به آزمایشگاه فرستاده میشود همین ترس گاهی تا مدتی ناراحتی بیمار را فراهم میکند مثلاً بیمار پسیکونوروژیک که **5-6 cc** خون او جهت آزمایش برده و اسرمن گرفته شده بود مرتباً سؤال میکرد که آیا من زنده خواهم ماند یا نه ؟

۱۳ - ترس از امراضی از قبیل *Syphilophobie* یا *Cancerophobie* معمولا در بیماران که در سرحد نوروژ و پسیکوز هستند و با کسالت مقدمه پسیکوز را سیر مینمایند همچنین در دوره *Menopause* و یا *Andropause*

مشاهده میشود ترس از ابتلاء به سل در دختران جوان مبتلا به هیستری شایع است ترس شدید از بیماری کولیت و بیماریهای قلبی در اکثر بیماران مبتلا به پسیکااستنی ونوراستنی مشاهده میشود. در مواقعی که بیماری خاصی بصورت اپیدمی درمیاید طبعا عامه تا اندازه‌ای از ابتلاء به بیماری ترس دارند ولی در نوروژیک‌ها این ترس و وحشت بصورت *Phobie* درمیاید .

در مورد ترس هائی که بعلت *Suggestibilite* یعنی تلقین پذیری حاصل میشود .

بیماری در بخشی بستری بود بیمار دیگری باوی مشاجره لفظی پیدا کرده باو گفته بود که سرت را میبرم و بالای درخت توت میگذارم و همین گفته تا مدتی مانع خواب و قرار و آرامش بیمار را فراهم کرد و وقتی علت این بیخوابی استفسار شد سؤال میکرد که آیا چنین کاری را خواهند توانست کرد یا نه ؟

دیگر از ترس‌هائی که مربوط به عادات و رسوم اجتماعی میباشد ترس از خون است که در بعضی بیماران وجود دارد و شاید بتوان گفت این ترس ریشه های عمیق مذهبی و اجتماعی دارد از ترس‌های دیگر میشود از هیدروفوبی نام برد که در بیماری هاری مشاهده میشود